# تاریخ تفرقه‌افکنی آل‌سعود میان مسلمانان

دکتر کامیار صداق ثمرحسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این نوشتار کوتاه مروری بر چند نکته از تاریخ معاصر آل سعود می‌شود که در درک سیاست‌های تفرقه‌افکنانه آل سعود در جهان اسلام مفید است و مکمل یادداشت پیشین اینجانب با عنوان: «۱۲ تصویر تاریخی از آشنایی ایرانیان با آل‌سعود» است که پیشتر منتشر شده بود. این نکات هرچند جدا از هم شده‌اند، امّا همگی در یک واقعه‌اند؛ و باید با هم دیده شوند تا ماهیت واقعی آل سعود بیشتر و بهتر آشکار شود. آن را به یاد شهدای حاجیانمان نوشته ام و به آن بزرگواران تقدیم می کنم.

مقاله حاضر در سایت علمی معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، پایگاه بسیج مستضعفین؛ خبرگزاری فارس و دهها خبرگزاری دیگر منتشر شده است.






**سایت علمی معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی**

http://farhangi.taghrib.com/issues/g-p-۲/تاریخ-تفرقه‌افکنی-آل‌سعود-میان-مسلمانان

**خبرگزاری فارس**

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۸۱۵۰۰۰۶۱۷

# تاریخ تفرقه‌افکنی آل‌سعود میان مسلمانان

دکتر کامیار صداق ثمرحسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به لحاظ تاریخی، تجزیه خلافت عثمانی، بر اساس برنامه‌ای مشخص، برپایه معاهدات استعماری میان قدرت‌های اروپایی؛ به‌ویژه میان استعمار بریتانیا و فرانسه صورت گرفت در سال ۱۳۳۶ ه.ق بخش جنوبی سوریه و در سال ۱۳۳۷ قمری بخش شمالی سوریه از عثمانی جدا شد و در اختیار استعمار فرانسه قرار گرفت. دولت بریتانیا در تجزیه خلافت عثمانی، علاوه بر عراق، به دو منطقه حساس توجه ویژه‌ای نشان داد: ۱. سرزمین فلسطین و ۲. سرزمین حجاز؛ و سیاستی را پیاده کرد که نهایتاً در فلسطین به اشغالگری صهیونیست‌ها و تأسیس دولت جعلی و نامشروعِ اسرائیل منجر شد و حجاز را نیز که تا سال ۱۳۳۵ ه.ق یکی از ولایات عثمانی محسوب می‌شد، ابتدا با تحریکِ شریف حسین، از عثمانی جدا کرد و سپس سیاستِ اصلی خود را در سرکار آوردن وهابیان محقق کرد. سرانجام شریف حسین توسط دولت بریتانیا به قبرس تبعید شد و حتی اجازه نیافت به دیدار فرزندش در اردن برود.

مدّت اندکی پس از اشغال شهرهای مکّه و مدینه توسط عبدالعزیز آل سعود، – که برای تصرف مدینةالنبی آن (در اوایل صفر ۱۳۴۳ ق / سپتامبر ۱۹۲۴م) را به توپ بست – ملک عبدالعزیز آل سعود زیر فشار افکار عمومی جهان اسلام، ناچار به تشکیل مؤتمر اسلامی در حجاز شد و در آنجا مدعی شد که مردم حجاز خواهان سلطنت او هستند! و متعهد شد تا کشورهای اسلامی را در اداره امور حج سهیم کند، امّا خیلی زود مشخص شد که چنین سخنی تنها برای خریدن زمان بوده است.

تا آن تاریخ، وهابیان عموم مسلمانان را تکفیر می‌کردند و همین انگیزه جنگ‌های آنان در سرزمین مقدس حجاز با نام «جهاد» بود؛ البته مسلمانان نیز معمولاً «وهابیان» را از شمارِ «خوارج» یا «غُلات» می‌دانستند. مرحوم علّامه سیّد محسن امین در کتاب «کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب» وجوه شباهت آنان با خوارج را شمارش کرده است و رسایل علمای اهل سنت در این باره بسیار است. جالب‌توجه است که شیخ

ظواهری از علمای الأزهر (او جدّ همین أیمن الظواهری سرکرده تروریست القاعده است و البته عمل او ارتباطی با جدّش ندارد) رساله‌ای را با عنوان «یهود لا حنابلة» نوشت و مرادش از یهود «آل سعود» بود. امروزه نیز همچنان تمجید از نگاه تکفیری آل سعود در دوران جنگ‌های ملک عبدالعزیز، در تألیفاتِ شاهزادگان سعودی همچون «فیصل بن مشعل بن سعود بن عبدالعزیز آل سعود» مانند کتاب «رسائل أئمة – دعوة التوحید» بازنشر می‌شود. از دید فیصل بن مشعل، جزیرةالعرب پیش از پیمانِ اتحادِ «محمد بن عبدالوهاب» و «محمد بن سعود»، جزو بلاد کفر و الحاد بود و می‌نویسد: «پیش از ظهور این دو بزرگ‌مردان مصلح، اهل نجد در جهالت و ضلالت، کفر و الحاد و حلولیت زندگی می‌کردند و جهل و کفر خود را شاخه‌های ایمان و طریقهٔ محمدیه می‌دانستند، تا آنکه بالاخره در نجد، پروردگار عالم شیخ‌الاسلام محمد بن عبدالوهاب را به میان آورد ...» (آل سعود، ۱۴۲۲: ۲۸) و ذهنیت خودبینی او تا آنجا جلو می‌رود که به نقل از نویسنده‌ای دیگر که او از خاندان آل الشیخ است، (دکتر عبدالرحمن آل الشیخ) تنها سلفیه نجد را مسلمان می‌داند و مدعی است: «اگر محمد بن عبدالله [مجدداً] ظهور کند، او را جز از نجد (قلب جزیرةالعرب) پیروانی نخواهد یافت.» (همان: ۳۳)

حال که بد قولی و بدعهدی آل سعود بیان شد، یادی کنیم از معلم اخلاق و فقیه وارسته، مرحوم آیت‌الله حاج میرزاعلی مشکینی (ره) (۱۳۰۰ – ۱۳۸۶ ه.ش) که اندیشه‌های بسیار جالب‌توجهی درباره وحدت اسلامی دارد. او بیش از سی سال پیش پیشنهاد جالب‌توجهی درباره اداره اماکن مقدس حجاز را مطرح کرد که در کتاب «کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعت – وحدت مسلمین» منتشر شده است. نص سخن او چنین است: «پیشنهاد من این است که طبق نص آیات و حکم صریح الهی قبلهٔ مسلمین یعنی کعبه و آنچه بدان تعلق دارد؛ یعنی مشاعر عظام عرفات و مشعر و منی و بالأخره حرم شریف و مواقیت احرام و بالطبع حرم مطهر رسول اکرم صلی‌الله علیه و علی آله الأطهار و صحبه الأخیار همه و همه مالِ جمیع مسلمین است از روز اوّل حدوث این امکنه شریفه چنین بوده و تا دامنهٔ قیامت نیز چنین خواهد بود. .... پیشنهاد این است ... باید ادارهٔ حرمین شریفین در تمام اوقات سال به وسیلهٔ دو گروه متشکل از همه کشورهای اسلامی انجام یابد. گروه اوّل هیئت‌رئیسه و مقننه و گروه دوّم هیئت مجریه و طرز تشکیل هیئت‌رئیسه باید به دین منوال باشد که از هر یک از پنجاه کشور اسلامی یک یا دو نفر شخصیت لایق و عالم و آشنا به علوم و معارف اسلامی اجتماع کنند و هیئت تقنینیه، اداره حرمین شریفین را تشکیل دهند و اساسنامه و شرح الوظایفی مفصّل و منضبط و دقیق

طبق دستورات اسلامی و استفاده از کتاب کریم و سنت نبی اکرم (صلی‌الله علیه و آله) تنظیم کنند و بنام مجلس اعلای اداره امور حرمین مشغول کار شوند. و سپس گروه دوم بنام گروه اجرایی از هر کشوری پنجاه نفر و یا صد نفر افراد مجهز به همه تجهیزات مادی و معنوی و امنیتی در محلی از حرمین شریفین اجتماع کنند و زیر نظر مجلس اعلای حج در شهور اقامه مناسک حج و اوقات عمره‌های مفرده متصدی تمام شئون حجاج محترم باشند. ... و حتی خود اهالی جزیرةالعرب اگر بخواهند در مراسم حج و عمره شرکت کنند باید زیر نظر و چتر هدایت و راهنمایی گروه اجرایی بین‌المللی قرار گیرند«... .

زمانی که علمای بزرگ اسلام از شیعه امامیّه و اهل سنت، بر تعلیم و تربیت آزادانه همه فرق اسلامی در مکّه و مدینه تأکید کردند، آل سعود تعلیم و تربیت حجاز را منحصر به تربیت سلفی – سعودی کردند و تعالیم سایر فرق و مذاهب اسلامی را بدعت و حتی شرک نامیدند و از آموزش آن‌ها ممانعت به عمل آوردند. بسیاری از علمای امامیّه و اهل سنت همچون مرحوم شهید شیخ رمضان البوطی از این رویّه انحصارطلبانه سعودی‌ها شدیداً انتقاد کرده‌اند. اگر خواسته باشیم این انتقادها را فهرست کنیم خود مقاله‌ای مفصل خواهد شد. پس از چندی آل سعود به تأسیس شبکهٔ آموزشی وسیعی دست زدند تا مرجعیت فقهی و حدیثی نه‌تنها حجاز بلکه سراسر جهان اسلام را در اختیار خود بگیرند.

زمانی که علمای بزرگ اسلام از شیعه امامیّه و اهل سنت، با ابتکار مرحوم حضرت امام خمینی (ره) میلاد حضرت رسول‌الله (صلی‌الله علیه وآله) را به‌عنوان تاریخی برای وحدت اسلامی انتخاب کردند، و آن را هفته وحدت نامیدند که شامل دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول است که جمعِ روایاتِ میلاد پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) است، بلافاصله این پیشنهاد با تعریض عربستان سعودی و مواجه شد و آل سعود و مفتیان سلطنتی آنان اعلام کردند که بزرگداشت میلاد حضرت رسول‌الله (صلی‌الله علیه وآله) بدعت و شرک است.

بیش از یک هزار و سیصد سال مسلمانان میراث اسلامی مکّه مکرّمه و مدینه منوّره را محفوظ هر نسل برای نسل دیگر نگاه داشتند و در مقابل آل سعود همه را تخریب کرد. از دید آل سعود، فرزندان امّت اسلامی باید کفش و دمپایی و عینک عبدالعزیز آل سعود را به خاطر سپارند (تصویر شماره ۱) ؛ ولی یادی از خانه‌ها و قبورِ بزرگان اسلام همچون حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) و صحابه والامقام رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) نکنند. (تصویر شماره ۲) و عینک و قلم شیخ وهابی ابن عثیمین را زیارت کنند ولی زیارت اولیای الهی را انجام ندهند. (تصویر شماره ۶)



تصویر ۱ – کفش ملک عبدالعزیز در موزه سعودی



الكون

آل سعود يدمّرون أضرحة الصحابة

تصویر ۲ – روزنامه کویتی الکون: تخریب مزار اولیاء و صحابه آن‌قدر در نزد مسلمانان زشت و زننده بود که در آن اوایل، مُجرم اصلی (ملک عبدالعزیز) نیز مسئولیت آن را به گردن نگرفت.



تصویر ۳ –آنچه مسلمانان (از دید آل سعود) باید ببینند: قصر خزام در جدّه – ازآنجاکه زمانی اقامتگاه ملک عبدالعزیز آل سعود (مؤسس دولت سعودی) بوده است، به موزه تبدیل شد.



تصویر ۴ – آنچه مسلمانان (از دید آل سعود) نباید ببینند: بقیع پیش از تخریب



تصویر ۵ – سرانجام به کجا خواهند رسید؟ – دورنمایی از مرحله آتی تغییر هویت شهر مدینه النبی




تصویر ۶ – اهالی حجاز می‌پرسند: چگونه زیارت خودکار و عینک و ... شیخ وهابی ابن عثیمین مجاز است، ولی زیارت قبر مطهر حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) بدعت است؟

قصرهای آل سعود مرمت می‌شوند ولی خانه‌ها و میراث خاندان وحی و اصحاب رسول‌الله تخریب شدند. اول کاری که عبدالعزیز بن سعود در زمان تصرف مکه انجام داد تخریب مقبره و منزل حضرت خدیجه (س) بود. اهل سنت نیز دلی پرخون از تخریب نشانه‌ها و مقدساتشان در حجاز دارند. مقابر بسیاری از صحابه رسول خدا صلی‌الله علیه واله را تخریب کردند؛ چنانکه با تخریب خانه ابوبکر خلیفه اوّل، و پاره‌ای بناهای دیگر،

بعدها «هتل هیلتون» را بنا کردند. شرح مفصلی از تخریب اماکن مقدس اسلامی را مرحوم علّامه سیّد محسن امین در کتاب «کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب» آورده است و اکنون باید ابعاد این تخریب‌ها را از نو نگاشت. علمای اسلامی در تمام اعصار با هوشمندی تمام میراث صدر اسلام را برای آیندگان محفوظ داشته بودند تا آیندگان بتوانند بی‌واسطه تاریخ اسلام را ببینند. اما در منطق آل سعود تاریخ خانوادگی آنان بر تاریخ صدر اسلام ارجحیت دارد. (تصاویر ۳ و ۴ باهم مقایسه شوند.)

زمانی که علمای بزرگ اسلام از شیعه امامیّه و اهل سنت، برائت از مشرکان را جزئی از حج ابراهیمی شمردند، بلافاصله آل سعود اعلام کرد که اعلام برائت از مشرکان در حج مراسمی شرک‌آمیز است و ناگهان چرخش دیدگاه‌های وابستگان به دولت سعودی آشکار شد. مرحوم دکتر سیّد جعفر شهیدی در کتاب «از دیروز تا امروز (مجموعه مقالات)» (شهیدی، ۱۳۷۲: ۱۲۱) می‌نویسد: «یکی از بهانه‌های حکومت عربستان سعودی برای توجیه رفتار غیرشرعی و بلکه غیرانسانی خود که هنوز هم روزنامه‌های آن دولت و نشریه‌هایی که از آن ارتزاق می‌کنند، پی آن را رها نکرده‌اند، این است که حج واجبی است عبادی و حاجیان در موسم، جز عبادت نباید به کاری دیگر بپردازند. دوازده سال پیش که چنین بحثی در کنفرانس سالیانهٔ الجزایر در شهر تلمسان مطرح شد، آقای احمد محمد جمال، استاد دانشگاه ملک عبدالعزیز، در جده با من هماهنگ بود که حج کنفرانس اسلامی است، حالا چه شده است که ایشان و همفکران ایشان دراین‌باره سکوت کرده‌اند؟

زمانی که علمای بزرگ اسلام از شیعه امامیّه و اهل سنت، انتساب «نسبت‌های ناروا و تهمت‌های بی مأخذ» درباره پیروان فریقین را زیر سؤال بردند، آل سعود با انتشار کتاب‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای بر رواج تهمت‌های بی مأخذ میان فریقین تأکید کرد. باز این نوشتار کوتاه را با سخن مرحوم آیت‌الله میرزاعلی مشکینی مزیّن می‌کنم که نوشته است: «امّا پیشنهاد دوم جلوگیری از طبع و نشر کتاب‌هایی که از طرف نویسندگان فریقین تألیف و منتشر می‌شود که در آن‌ها مطالب اهانت‌آمیز به عقاید فریقین و عبارت‌های ناروا و غیرمؤدبانه نوشته‌شده و عواطف مذهبی طرفین را جریحه‌دار می‌کند. ... نوشتن و تألیف کتاب و مجله از هر یک از فرق مسلمین که اخلاق و آداب اسلامی در آن مراعات شود و استدلال و قبول و رد و سؤال و پاسخ راجع به هر مطلبی به نحو مؤدبانه انجام یابد و هر صنفی و هر گروهی از فرق مسلمین مسلک و مذهب خویش را با برهانی منطقی و استدلالی صحیح به مصداق (وجادلهم بالتی هی احسن) اثبات نماید و اشکالاتی را که در مطالب دیگران ببیند طبق روش عقلایی و بالأخره با حسن ظن و جستجوی حق و

به‌منظور درک واقع و روشن شدن حقیقت با اعمال انصاف قبول و یا رد نماید باید آزاد باشد.»

زمانی که علمای بزرگ اسلام از شیعه امامیّه و اهل سنت بر حرمت جان و مال و ناموس مسلمانان تأکید کردند، آل سعود به دنبال انتشار گسترده آثاری بود تا چنین وانمود کند که آزار مخالفانش گناهِ بزرگی محسوب نمی‌شود. در سال ۱۴۰۷ ه.ق، زمانی که حاجیان حرم امن الهی در «جمعه خونین مسلمانان» (بعدازظهر جمعه ششم ذی‌حجه سال۱۴۰۷ ه.ق) در مکّه توسط سربازان آل سعود کشته شدند. ناگهان سیلِ آثار و کتاب‌هایی تألیف و یا بازنشر شدند که می‌کوشیدند تا پیروان شیعه امامیه را نامسلمان یا منافقانی خطرناک برای امت اسلامی قلمداد کنند. باز برگردیم به سخنی از دکتر سید جعفر شهیدی از خاطره سفر حجش، که می‌نویسد اوّل بار کتاب «التقریب بین السنهٔ والشیعهٔ» اثر شیخ وهابی محمد القفاری را در مکه در نزد حجهٔالاسلام والمسلمین رسول جعفریان دیده که «چون کتاب‌فروشی در مکّه دانست ایشان شیعه و اهل علم هستند، این دو مجلد کتاب را هدیه کرد تا به گفتهٔ او از گمراهی درآید!» شهیدی کتاب را یکی دو روز به امانت می‌گیرد و آن را مطالعه می‌کند و به نکات مهمی درباره آن توجه می‌دهد؛ و به‌درستی می‌نویسد: «به نظر می‌رسد این رساله و شاید رساله‌های دیگری که ما ندیده‌ایم تهیه‌شده است که شیعیان را بی‌اعتنا به مبانی اسلام بشناسانند تا آزار آنان گناهی بزرگ به‌حساب نیاید.»

و در مجموعه تألیفات رسمی دولت سعودی که درباره گرامیداشت یکصدمین سالگرد تأسیس عربستان سعودی نوشته شده است؛ نام ده‌ها چاپخانه موردحمایت مالی آل سعود (حقوق‌بگیران دولت سعودی) در هند و پاکستان و مصر و لبنان و ... بیان شده است. [مانند کتاب الملک عبدالعزیز و العمل الخیری السعودیه تألیف عمر بن صالح العُمری] «المکتبهٔ السلفیهٔ ومطبعتها» متعلق به محب الدین الخطیب که مرکز فعالیت‌های ضد دارالتقریب قاهره بود، و یا «ادارهٔ ترجمان السنهٔ» در لاهور پاکستان و ده‌ها مرکز انتشاراتی مشابه، مراکزی کاملاً وابسته در خدمت منافع آل سعود بوده‌اند و سیاست بومی کردن سلفیه وهابی – سعودی و ترویج نسبت‌های ناروا و بی مأخذ به مسلمانان (و نه‌تنها شیعیان امامیّه) را در جهان اسلام دنبال کرده‌اند. متأسفانه تاکنون تحقیق جامعی درباره «ادارهٔ ترجمان السنهٔ» صورت نگرفته است که بسیاری از حقایق را درباره سیاست‌های سعودی در پاکستان آشکار خواهد کرد. یا اگر می‌خواهیم سیاست‌های عربستان سعودی در یمن را موردبررسی قرار دهیم، باید شبکه انتشاراتی آن‌ها را از قبیل (صاحبان آثار،

تولیدات، سیاست‌ها و راهبردهای کلان جاری و ...) در «دار الآثار الیمنیۀ» «مرکز الحقیقۀ للدراسات و البحوث» و «دار الحدیث» و نظایر آنها رصد کنیم. حلقه‌های دوستان و دشمنان در چنین مراکزی است که خود را نمایان می‌سازند و می‌توان به این پرسش راهبردی پاسخ داد که در جهان اسلام، چه کسی با چه کسی دوست و چه کسی با چه کسی دشمن است؟ اینکه صدها میلیون دلار صرف انتشار میلیون‌ها نسخه کتاب از آثار شیخ وهابی پاکستانی، احسان الهی ظهیر و محب الدین الخطیب و مانند او برای توزیع سالانه در موسم حج و غیر آن در جهان اسلام می‌شود، تنها یک‌نمونه از فعالیت‌های آل سعود علیه وحدت اسلامی است.

در خاتمه بیان نکته‌ای خالی از فایده نیست و آن اینکه اختلاف میان فرق اسلامی امری طبیعی است، امّا تبدیل اختلاف به تضاد و درگیری همواره امری سیاسی بوده است. از گذشته‌های دور، منافع شخصی برخی سلاطین اقتضا می‌کرد که به اشاعۀ باورهای نادرست علیه رقیبان هم بپردازند تا بدین‌وسیله قدرت خود را تحکیم کنند. نتیجۀ چنان سیاستی تهییج احساسات کور برخی مسلمانانِ ناآگاه و ساده‌لوح بود. مثلاً در سفرنامه حج میرزا عبدالحسین خان افشار ارومی می‌خوانیم: «در بین راه به کوچه خلوتی رسیدم ... به شیخ عربی رسیدم. [به] محض دیدن بنده بنای مهملات گذاشت و می‌خواست که بنده را کتک مضبوطی بزند. ... اهل مدینه مبغض‌ترین جمیع اعراب هستند. عداوت غیر نهایت با عجم دارند. کشتن و اگر نتوانند فحش گفتن و کتک زدن را صواب می‌دانند. اگر در کوچه‌های خلوت عجم را گیر بیاورند، قطعاً خواهند کشت. در کوچه‌های خلوت مدینه گردیدن خیلی خطرناک است، در نظر اهل مدینه اهل ایران بدتر از یهودی هستند.» (افشار ارومی، ۱۳۸۶: ۱۷۰–۱۷۱) شاهزاده «فرهاد میرزا» نیز در سفرنامه حج خود خاطره‌ای جالب از مسجدالنبی (ص) را نقل کرده است که باید آن را در ذیل مدارک مربوط به اعتقاد شیعه امامیه به عدم تحریف قرآن ثبت شود. او متوجه شد که در کتابت نسخه‌ای از قرآن موجود در آن مسجد اشتباهی رخ‌داده است و تأکید دارد این‌گونه اشکالات را باید بلافاصله برطرف کرد. در نسخه‌ای که در دستش بود، در آیۀ ۱۷ سوره مزمّل، کلمه «شِیبًا» (به کسر شین) (... یَوْمًا یَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِیبًا) به اشتباه «شَیباً» (به فتح) نوشته شده بود. وقتی پیشنهاد اصلاح آن ایراد (به قول ما برطرف کردن اشکالِ چاپی) را داد، شیخی که در آنجا بود پرخاش کرد. فرهاد میرزا می‌نویسد: «... چنان عربده می‌کرد و وا می‌نمود که العیاذ بالله عجم‌ها می‌گویند قرآن غلط است، نه این‌که [آن نسخه] قرآن، غلط [اشتباه چاپی] دارد. اگر مصطفی قواس همراه نبود، فضیحت می‌کرد. ...

(فرهاد میرزا، ۱۳۶۶، ۱۵۹) و نویسنده این سطور از این مثال‌ها بسیار جمع کرده است و مجال بیان آن‌ها میسور نیست.

غالب موارد فوق ناشی از جهل عوام و سیاست‌های مغرضانه حکومت‌هاست که نسبت‌های بی مأخذ را به پاره‌ای از مسلمانان نسبت می‌دادند و به تعبیر آیةالله عبدالله جوادی آملی اینگونه اختلاف‌ها، اختلافات زمینی (سیاسی) هستند که قابل حل هستند؛ هرچند ظاهراً با رنگ و ظاهر آسمانی تلقین شود.

با به حکومت رسیدن آل سعود تأسیس کشور «عربستان سعودی» اتفاقات دیگری رخ داد که صورت‌مسئله را به‌تمامی دگرگون کرده است. حیاتِ عقیده وهابیت درگرو وجود اختلاف میان مسلمانان است. در سایهٔ وحدت و برادری مسلمانان، وهابیّت قادر به ادامه حیات خود نیست. ازاین‌رو آل سعود را همواره در رویکردهای تضاد و اختلاف‌افکنی می‌شناسیم. آل سعود کوشیدند تا اختلاف میان امت اسلامی را در چارچوب شبکه مطبوعاتی – رسانه‌ای – آموزشی وسیعی در سراسر جهان اسلام «سازمان» دهند. در این خصوص به کتاب شیعه‌شناسی معاصر اهل سنت مجلدات اول و دوم و نیز مجلد سوم (که در رابطه با نظام آموزش مخالفان وحدت اسلامی در عربستان سعودی است) و ان شاء الله به زودی منتشر خواهد شد، مراجعه فرمایید.